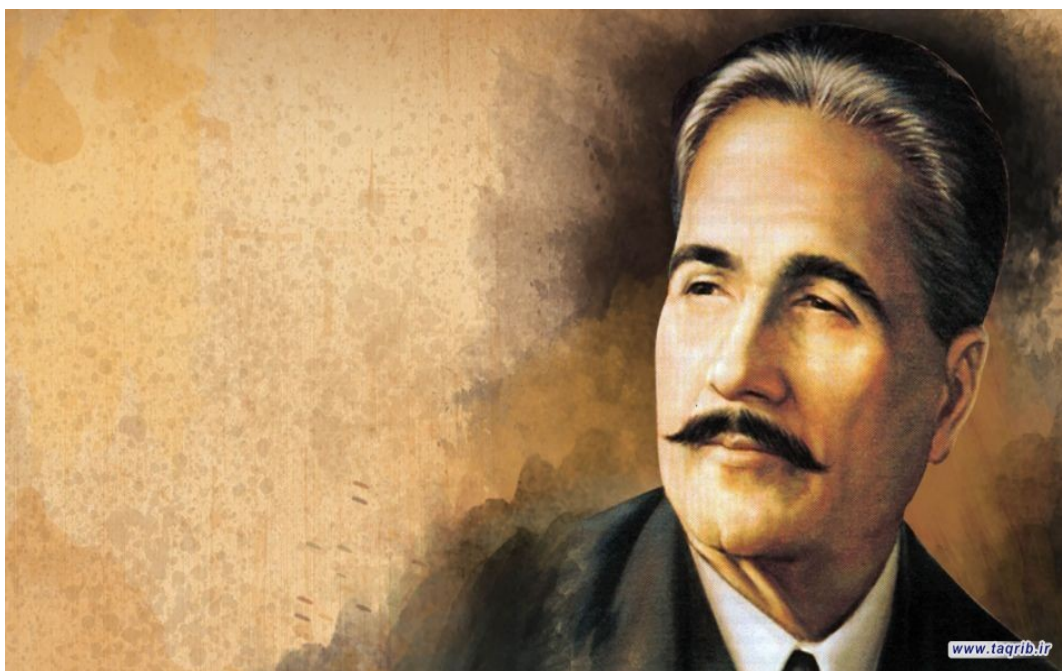


و بازسازی اندیشه وحدت اسلامی؛ راهکاری برای عبور از مرزهای تفرقه!



در میان اندیشمندان معاصر جهان اسلام، کمتر شخصیتی را می‌توان یافت که همانند علامه اقبال لاهوری، مسئله وحدت امت اسلامی را به عنوان یک پروژه فکری، فرهنگی و تمدنی مورد توجه قرار داده باشد. اقبال صرفاً یک شاعر یا فیلسوف نبود؛ او متفکری بود که بحران‌های جهان اسلام را در عصر استعمار و سلطه خارجی به درستی تشخیص داد و تلاش کرد با بازسازی مبانی فکری مسلمانان، زمینه احیای قدرت و هویت اسلامی را فراهم آورد.

اقبال در دورانی می‌زیست که جهان اسلام با شکاف‌های عمیق قومی، نژادی، زبانی و سیاسی مواجه بود. قدرت‌های استعماری نیز با بهره‌گیری از همین شکاف‌ها، سلطه خود را بر سرزمین‌های اسلامی تثبیت می‌کردند. از نگاه او، مهم‌ترین مانع در مسیر پیشرفت مسلمانان نه کمبود منابع و امکانات، بلکه فقدان وحدت فکری و عملی بود. به همین دلیل، بخش مهمی از آثار و اشعار وی به نقد مرزبندی‌های قومی و نژادی و دعوت مسلمانان به بازگشت به هویت مشترک اسلامی اختصاص یافته است.

در منظومه فکری اقبال، وحدت اسلامی یک شعار سیاسی مقطعی نیست، بلکه ریشه در جهان‌بینی توحیدی

دارد. او معتقد بود همان‌گونه که خداوند یگانه است، جامعه اسلامی نیز باید بر محور توحید به وحدت برسد. از این منظر، توحید صرفاً یک اعتقاد کلامی نیست، بلکه بنیان شکل‌گیری امت اسلامی و عامل انسجام اجتماعی مسلمانان به شمار می‌آید. اقبال بر این باور بود که هرگاه مسلمانان از اصل توحید فاصله بگیرند، گرفتار تفرقه، ضعف و وابستگی خواهند شد و هر زمان که به این اصل بازگردند، توانایی بازسازی قدرت تمدنی خود را به دست خواهند آورد.

یکی از ویژگی‌های برجسته اندیشه اقبال، عبور از محدودیت‌های قومی و جغرافیایی است. او هویت مسلمان را در مرزهای ملی محصور نمی‌دید و بر این باور بود که تعلق به امت اسلامی باید بر وابستگی‌های قومی و نژادی غلبه داشته باشد. از نظر وی، نژادگرایی، قوم‌مداری و ملی‌گرایی افراطی از مهم‌ترین عوامل تضعیف جهان اسلام هستند؛ زیرا مسلمانان را از اهداف مشترک و منافع جمعی دور می‌سازند. به همین دلیل، در آثار او بارها بر مفهوم «امت واحده» تأکید شده است؛ امتی که علی‌رغم تنوع فرهنگی و زبانی، دارای رسالت و سرنوشت مشترک است.

اهمیت این اندیشه در شرایط کنونی جهان اسلام بیش از گذشته آشکار شده است. در حالی که بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای از غرب آسیا تا جنوب آسیا و شمال آفریقا تحت تأثیر اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی تشدید می‌شوند، بازخوانی اندیشه اقبال می‌تواند افق تازه‌ای برای گفت‌وگو و همگرایی میان مسلمانان بگشاید. تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که هرگاه شکاف‌های داخلی در جهان اسلام افزایش یافته، زمینه برای مداخله قدرت‌های خارجی و تضعیف کشورهای اسلامی نیز فراهم شده است.

اقبال لاهوری بر این باور بود که وحدت، تنها در سطح شعار محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند وحدت اندیشه، وحدت هدف و وحدت عمل است. از این رو، او مسلمانان را به خودآگاهی، بازگشت به ارزش‌های اسلامی، تقویت کرامت انسانی و شناخت مسئولیت تاریخی خود فرا می‌خواند. در نگاه او، امت اسلامی زمانی می‌تواند به جایگاه شایسته خود در جهان دست یابد که اختلافات فرسایشی را کنار گذاشته و بر مشترکات اعتقادی، فرهنگی و تمدنی تمرکز کند.

امروز که جهان اسلام با چالش‌های پیچیده‌ای همچون اسلام‌هراسی، مداخلات خارجی، بحران‌های امنیتی و رقابت‌های فرقه‌ای مواجه است، اندیشه اقبال همچنان واجد ظرفیت راهبردی برای تقویت گفت‌وگو و همگرایی اسلامی است. میراث فکری او یادآور این حقیقت است که قدرت مسلمانان نه در تکرار اختلافات، بلکه در وحدت حول ارزش‌های مشترک اسلامی و انسانی نهفته است؛ وحدتی که می‌تواند زمینه‌ساز احیای نقش تمدنی جهان اسلام در عرصه بین‌المللی باشد.

